

چکیده:

موضوع اصلی این مقاله، تحلیل و بررسی ابعاد زیباشناسانه‌ی رمان ده جلدی کلیدر، نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی است. آن چه در این داستان نظر خواننده را به خود جلب می‌نماید، سبک خاص و بدیع نویسنده در تلفیق نثر سنتی و نثر جدید است. مهم‌ترین مباحث مقاله عبارت‌اند از:

۱. بررسی ساختار داستان کلیدر و تحلیل بهترین عناصر داستانی آن، عواملی که بر جذابیت رمان افزوده‌اند؛ مانند شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، فضا سازی و...
۲. بررسی ابعاد زیباشناسی کلیدر و بیان داستان به شیوه‌ی سنتی و نوین.

* فرحناز حسین پناه

(متولد ۱۳۴۲، شهرستان دزفول) دبیر دبیرستان‌های دزفول و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

زیبایی شناسی نثر دولت‌آبادی

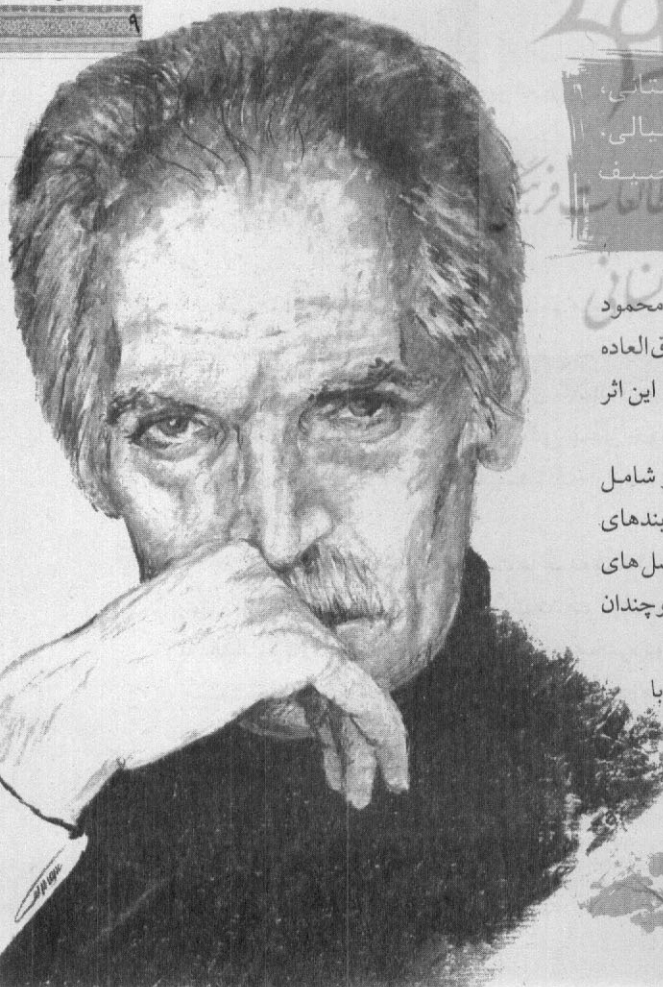
رشد
آموزش زبان
و ادب فارسی

کلید واژه‌ها: کلیدر، ادبیات داستانی، زیباشناسی سنتی و نوین، تصاویر خیالی، پیچش و گسترش واژه‌ها، توصیف خوش‌آغازی، عاشورا.

یکی از آثار ارزشمند ادبیات معاصر ایران، رمان ده جلدی «کلیدر» نوشته‌ی محمود دولت‌آبادی است. این اثر علاوه بر داشتن درون‌مایه‌ی زیبا و عناصر داستانی فوق‌العاده قوی، از نثری دل‌نشین و نو برخوردار است. همین زیبایی سبک و بداعت آن، این اثر شیوارا از سایر آثار این دوره متمایز نموده است.

کلیدر در ده جلد و بیش از ۲۸۰۰ صفحه نوشته شده (۱۳۴۷ تا ۱۳۶۲) و شامل ۳۰ بخش و حدود ۷۷ بند است. در هر بند ماجرای آغاز شده و این ماجراها در بندهای مستقل و یاپی‌درپی بعدی ادامه می‌یابند. این ارتباط حلقه‌وار محتوا، با تنوع فصل‌های آن، مانع از ملالت خواننده می‌شود و به دلیل داشتن کلامی آهنگین، زیبایی اثر دوچندان شده است.

داستان کلیدر در سال ۱۳۲۵ از شهر سبزوار آغاز می‌شود. جلد اول آن با توصیف چهره، اندام و حتی نوع راه رفتن مارال - دختر دایی گل محمد، قهرمان اصلی داستان - آغاز می‌شود و کم‌کم ماجراهای بعدی، یکی پس از دیگری به نمایش درمی‌آیند.



نویسنده آغاز ماجراها و حوادث داستان را در جلد اول مطرح می‌نماید و تا پایان همین جلد به حوادثی اشاره می‌کند که تا آخر اثر محور اصلی داستان قرار می‌گیرند.

دولت‌آبادی می‌تواند خواننده را با خود به قلب روستاها و دشت‌های خراسان در گذشته‌های نه‌چندان دور ببرد و او را با زندگی اشخاص بسیاری آشنا کند؛ دنیایی که فقر، نومیدی و جهل بر آن چیره شده است، با مردمی ژنده‌پوش و ترسان از ارباب‌ها و امنیه‌ها، مردمی که ترس دیرپا در وجودشان ریشه کرده و از آنان افرادی دورو، متقلب و بی‌مسئولیت ساخته است.

زیباشناسی در رمان کلیدر

طرح و تحلیل ابعاد زیباشناسانه‌ی رمان‌های معاصر به سبک سنتی، کاری غیرعلمی است و با انواع آثار ادبی معاصر هم‌خوانی ندارد. لذا در این بررسی به دو شکل عمل شده است. ۱. بررسی ساختار داستان و عناصر آن و معرفی بهترین عناصر داستانی اثر، که نقش به‌سزایی در جذابیت رمان و هنر داستان‌پردازی نویسنده داشته است. ۲. بررسی ابعاد زیباشناسی در سبک بیان داستان که هم به شیوه‌ی سنتی و هم به شیوه‌ی نوین به آن پرداخته شده است.

۱. زیباشناسی ساختار داستانی کلیدر

اگر عناصر داستانی کلیدر را جزو ابعاد زیباشناسی ساختار داستانی آن بشماریم ادعای بیهوده‌ای نیست. زیرا هر یک از آن‌ها در جایگاه خود به برترین شکل مورد استفاده قرار گرفته شده‌اند. لذا در این جا به بررسی زیباترین پردازش عناصر داستانی کلیدر می‌پردازیم:

الف) شخصیت‌پردازی: در این زمینه، هیچ نقصی در کار دولت‌آبادی مشاهده نمی‌شود و به زیبایی انواع شخصیت‌های منفی و مثبت یک جامعه، با افکار و اندیشه‌های متضاد آن‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. همان افرادی که در زندگی عادی خود با آن‌ها سروکار داریم و چهره‌هایی آشنایند، گاه آزار دهنده و گاه دوست‌داشتنی.

در کلیدر، روان‌شناسی شخصیت‌ها عمده شده است. شاید بتوان گفت یکی از موفق‌ترین نویسندگان معاصر ایران در پرداختن به ذهنیات و کارکردهای رفتاری شخصیت‌ها، محمود دولت‌آبادی است. نویسنده با آن‌چه در درون آدم‌ها می‌گذرد، در هم می‌شود و حضور او در بازگفتن نفسانیات شخصیت‌های رمانش، کاملاً معلوم است. در واقع او زبان خاموش کسانی است که احساس و

اندیشه‌ای - هرچند گنگ و گذرا - بر دل و ذهن پریشان و تعلیم نیافته‌شان، نشسته است. استفاده از هر سه روش شخصیت‌پردازی (ارائه‌ی صریح شخصیت‌ها با یاری گرفتن از شرح و توضیح مستقیم، ارائه‌ی شخصیت‌ها از طریق عمل آنان با کمی شرح و ارائه‌ی درون شخصیت‌ها، بی‌تعبیر و تفسیر) نمایش شخصیت‌ها را جذاب‌تر و استوارتر نموده است.

ب) صحنه‌پردازی: صحنه‌ها که زمان، مکان و موقعیت‌های اشخاص و حوادث داستان را دربر دارند، به خوبی و به کمک توصیفات بسیار قوی در کلیدر خودنمایی می‌کنند و بر حقیقت‌مانندی رمان افزوده‌اند.

این صحنه‌پردازی موفق از دیگر نشانه‌های هنر داستان‌پردازی است که نویسنده‌ی کلیدر به خوبی از عهده‌ی آن برآمده است. «هنر سنتی رمان‌نویس عبارت است از: قرار دادن صحنه‌ها در جای مناسب داستان و فرض بر آن است که صحنه‌ها یا مستقیماً در حضور ما در حال شکل‌گیری هستند یا از خلال خاطرات یک شخص مثلاً راوی، بسط و گسترش می‌یابند.» (جهان رمان، ص ۷۰).

پ) فضا‌سازی: از دیگر ویژگی‌های بارز کلیدر، فضا‌سازی در آن است. فضای غم، شادی، غرور، ترس، آرامش و... در هر جای داستان، هم‌سو با وقایع آن ایجاد شده است. به طوری که با گریه‌ی شخصیت‌ها، خواننده را غمی عمیق می‌فشارد. با ترس و اضطراب افراد، درون خواننده از ترس و هول آکنده می‌شود، با گریه‌ی زیور می‌گرید و با شوق درونی بیگ محمد با چگور او هم‌نوا می‌شود.

ت) زاویه‌ی دید: یکی از ابزارهای روایت داستان زاویه‌ی دید است. می‌دانیم بهترین نوع زاویه‌ی دید، استفاده از زاویه‌ی دید دانای کل است و این یکی از ویژگی‌های داستانی کلیدر است. وجود دانای کل، در روایت داستان از زیبایی‌های خاص رمان است، زیرا نویسنده در بیان حوادث و رفتن به درون شخصیت‌ها کاملاً آزادانه عمل می‌نماید و همین امر باعث شخصیت‌پردازی خوب داستان نیز شده است. در این نوع روایت، نویسنده به ضرورت از انواع توصیف جهت نمایش واقعی فضای داستان استفاده نموده و بین صحنه‌ها و جریانات داستان با سایر عناصر آن ارتباطی عمیق و زیبا برقرار کرده است.

ث) لحن و گفت‌وگو در داستان: یکی دیگر از عناصر داستان که بر زیبایی اثر افزوده است، نوع گفت‌وگو و لحن شخصیت‌های داستان در کلیدر است. دیالوگ‌های موفق می‌توانند واقعی‌ترین تصاویر را از شخصیت‌های داستان و ادبیات شفاهی آنان به نمایش بگذارند و این خصیصه در کلیدر موج می‌زند. در گفت‌وگوی

افراد، ادبیات عامه و فرهنگ کلامی مردم ناحیه‌ی کلیدر به تصویر کشیده شده است. در کلام گل محمد چویان، جملات و کلماتی، فراخور افکار و اندیشه‌های یک چوپان دیده می‌شود. اما پس از آن که گل محمد، سردار قهرمان می‌شود، لحن کلام او اندیشه‌های مبارزه طلبی، آزادی خواهی، شهامت، عدالت طلبی و... را به نمایش می‌گذارد. در واقع گفت و گوی شخصیت‌ها، آینه‌ی تمام نمای کلام‌ها، زبان زدها. افکار و اندیشه‌های قومی دو طایفه‌ی کرد و بلوچ شده است.

۲. ابعاد زیباشناسانه‌ی ساختار جملات و نثر کلیدر

این رمان دستاورد سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ است که از غنی‌ترین دوران‌های ادب معاصر است و می‌توان گفت پخته‌ترین و زیباترین آثار داستانی ادبیات معاصر، به این دوره تعلق دارد. اما آنچه کلیدر را از سایر آثار این دوره متمایز ساخته، نثر جذاب و سبک بدیع نویسنده‌ی آن است.

هرچند در این دوره، نثر ادبی با زبان محاوره گسترش یافته است، اما دولت‌آبادی علاوه بر آن، یک زبان محلی و بومی را نیز به این نثر ادبی پیوند داده است. وی با استفاده از نثر ادبی جذاب، زبان و فکر جدید جامعه را در قالب کلمات و عبارات ادبی و محاوره‌ای خراسان شکل داده و زبان سنتی را به کمک اندیشه‌های جدید متحول کرده است. نثر دولت‌آبادی، تقلیدی از سبک بیهقی است که با گویش محلی خراسانی آن را آمیخته و از حال و هوای کلاسیک خارج نموده است. از آنجایی که نثر کلیدر تلفیقی از سبک کهنه و نو (معاصر) است در بررسی آن به دو شیوه‌ی سنتی و نوین عمل نموده‌ایم.

الف) بررسی زیباشناسی سنتی در نثر دولت‌آبادی: از ویژگی‌های بارز کلیدر، به کارگیری عناصر خیالی و تصاویر در آن است که بر زیبایی و جذابیت داستان افزوده، هرچند گاهی فهم جملات را دشوار ساخته است؛ به طوری که خواننده ماجرای اصلی داستان را فراموش می‌کند. البته این دشواری بیش‌تر در ابتدای داستان و به علت عدم آشنایی خواننده با نثر داستان به چشم می‌خورد و در مقایسه با جهان وسیع کلیدر و تصاویر خیال‌انگیز بی‌نظیر، ناب، بدیع و بی‌شمار داستان این مواردند، ناچیزند.

تصاویر خیالی کلیدر، آمیخته‌ای از عناصر خیال‌انگیز سنتی و تعبیر جدید و نوخاسته‌اند که شاید تنها زاینده‌ی تخیل دولت‌آبادی و نه نویسندگان دیگر است.

زیباترین عناصر خیالی کلیدر را تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره،

تشخیص، حس آمیزی، تکرار و تضاد تشکیل می‌دهند. جذابیت نثر داستان با کنایات و تشبیهات بسیار بدیع آن چشم خواننده را خیره می‌نمایند و واقع‌نمایی داستان را دوچندان.

نمونه‌هایی از تصاویر خیالی بی‌نظیر کلیدر:

۱. تشبیه نگاه به شاهینی در حال پرواز: «بلقیس اما چشمانی شعله‌ور داشت که گویی شاهینی به هجوم از عمق چشم‌هایش بال گشوده بود و در فضای زیر سقف، در پرواز بود...» (کلیدر، ج ۷، ص ۱۷۳۳)

۲. عبارت: «خورشید بر یال آسمان سوار شدن» کنایه از آمدن خورشید به وسط آسمان و رسیدن هنگام ظهر: «مارال سر به آسمان برداشت. خورشید تا به یال آسمان سوار شود، چهار نیزه‌ای باقی بود. به نهر آب نظر کرد و...» (کلیدر، ج ۱، ص ۳۰)

۳. جان‌بخشی به اشیا در جمله‌ی زیر بر جذابیت کلام افزوده است: «بوته زار در باران تن می‌شوید. از سروگوش درختان طاخ، قطره‌های زلال آب، آب پاک، بر خاک می‌چکد. درختان برهنه-آدمیان برهنه-به شوی زیر باران ایستاده و دست‌ها بر عورت خویش پوشاک کرده‌اند.» (کلیدر، ج ۲، ص ۳۷۶)

بیش‌ترین نقش تصاویر خیالی در کلیدر، علاوه بر بعد زیباشناسانه‌ی آن‌ها، تأثیرگذاری آن‌ها بر عناصر داستان است و اغلب در زمینه‌های صحنه‌پردازی، شخصیت‌پردازی، فضاسازی در داستان، لحن شخصیت‌ها و سایر عناصر داستان بسیار تأثیر گذارند.

رمان ده جلدی کلیدر در ۳۰ بخش، ۷۷ بند دارد. در آغاز این بندها، توصیفات بسیار زیبایی وجود دارد که آن‌ها را تحت عنوان «خوش‌آغازی» در کلیدر مورد بررسی قرار داده‌ایم. این توصیفات، بیش‌ترین تصاویر خیالی رمان را در خود جای داده‌اند، بیش‌ترین تصاویر خیالی رمان، «تشبیه و کنایه» و کم‌ترین آن‌ها تکرار است. این تصاویر بر جذابیت داستان افزوده و بر مغز شگفت‌انگیز و زیبای طرح، پوسته‌ای تحیرآمیز و متعالی پوشانده است. ادبیات عامه‌ی اشخاص، نیز در این رمان نقش ویژه‌ای دارند و دولت‌آبادی به این امر آگاهانه پرداخته است و احتمالاً میزان تصاویر خیالی برخاسته از همین موضوع، ریشه در لحن کلام نویسنده و مردم کلیدر دارد.

میزان کل تصاویر خیالی و آرایه‌های ادبی (تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره، تشخیص، حس آمیزی، تضاد و تکرار) در مقایسه با جلدهای اول تا دهم نشان می‌دهد که بیش‌ترین میزان عناصر زیباشناسی رمان در جلدهای اول، دوم، ششم و کم‌ترین

میزان آن‌ها در جلد‌های چهارم و هفتم رمان است.

این بررسی نشان می‌دهد نویسنده، در جذب خواننده تا پایان داستان، موفق بوده و این گیرایی برخاسته از درون‌مایه‌ی خوب داستان و زیبایی نثر آن است.

طرح داستان در جلد‌های آغازین با این تصاویر، جذاب و دل‌نشین شده است. زمانی که داستان و حوادث آن گرم و پرهیجان‌اند زیبایی‌های کلام در نثر کاهش می‌یابند و در واقع تا جلد ششم، حوادث گرم و شگفت‌انگیز داستان، خواننده را به دنبال خود می‌کشاند. جلد ششم، اوج دوباره‌ی زیبایی نثر و عناصر خیالی آن است و پس از آن دوباره با افت و خیزهایی در نثر رمان مواجه می‌شویم. در جلد دهم، زیبایی و افق خیالی نویسنده، گسترده‌تر می‌شود و حوادث جالب و خواندنی داستان را در خود می‌پرورد. بدین ترتیب، نثر رمان، در اوج زیبایی آغاز و در اوج نیز به پایان می‌رسد.

ب) بررسی زیباشناسی در کلیدر به روش نوین

مهم‌ترین ابعاد زیباشناسی کلیدر، که در حیطه‌ی زیباشناسی سنتی نمی‌گنجد به شرح زیرند:

۱. استفاده از ضرب‌المثل‌ها: این ضرب‌المثل‌ها با مهارت و زیبایی فوق‌العاده‌ای در جای جای رمان چیده شده‌اند و هر یک پیش از پیش بر اهمیت و ارزش سخن می‌افزایند و گویی نویسنده مهر تأییدی بر فضای بیرونی و درونی حوادث و ماجراهای داستان زده و آن‌ها را هم چون چلیچراغ‌هایی در مکان‌های مناسب نصب نموده است. ضرب‌المثل در آثار گذشته‌ی ادبی ما هم چون گلستان، کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه به زیبایی مورد استفاده قرار گرفته و در آثار معاصر با نثر جمال‌زاده این کار به شکلی زیباتر و نوگرا، جلوه‌گر شده و ادبیات امروز و دیروز را با الگویی جدید و جذاب به هم پیوند داده است.

مهم‌ترین ویژگی ضرب‌المثل‌های کلیدر ارتباط مستقیم آن‌ها با فضای داستان و ماجراها، متنوع و غیرتکراری بودن آن‌ها و وجود ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ی بدیع در بین آن‌هاست. چند نمونه از ضرب‌المثل‌های بدیع و عامیانه‌ی کلیدر: ۱. «جوجه تا نرسد پوسته را نمی‌شکند» ۲. «هرکسی توبره‌ی پر را به سر خودش می‌زند» ۳. «بره‌ی نر برای کارد است.»

۲. گوئیها: به کارگیری گوئیها از دیگر ابعاد زیباشناسی کلیدر است که در حیطه‌ی گفت‌وگو و فن روایت داستان قرار می‌گیرند. این گوئیها معمولاً از جلد پنجم به بعد بیش‌تر دیده می‌شوند و نمایانگر ضعف، ناتوانی و سرخوردگی موقت و یا

دائمی برخی از شخصیت‌های داستان‌اند.

۳. رقص واژگان در کلیدر: به تصویر کشیده شدن افکار و اندیشه‌های اشخاص داستان، پیشبرد طرح رمان با تکرارها، جابه‌جایی واژه‌ها در طول داستان و استفاده‌ی خاص از کلمات، از مواردی است که در این رمان بسیار مشهود است. بازی با کلمات، شگرد خاص دولت‌آبادی و نشان سبک والای اوست. در قسمت‌هایی از داستان چند کلمه را با درنگ کوتاه به دنبال هم آورده و چندین بار همین کلمات را پس و پیش کرده و در ادامه‌ی داستان با هم آمیخته است. بدین ترتیب نودخترکان کلیدر رقصی موزون با دامن‌هایی پرچین در صحنه‌های داستان به اجرا می‌گذارند. امواج رقصان کلمات گاه به هم می‌پیوندند و گاه از هم گسسته می‌شوند.

۴. خوش‌آغازی در کلیدر: از دیگر ابعاد زیباشناسی کلیدر آغاز خوش و زیبایی‌های آن است.

این رمان ده جلدی و با حجم زیاد، به گونه‌ای منظم فصل‌بندی شده است که هرگز ملالی در خواننده ایجاد نمی‌کند. آغاز خوش‌ماجرها در فضاسازی داستان و اثرگذاری آن بر خواننده در خور ستایش است. در این توصیفات، نویسنده یا به توصیف صحنه‌ی داستان و عناصر طبیعی آن پرداخته و یا دنیای درونی شخصیت‌ها، احساسات و افکار آن‌ها را به تصویر کشیده است. آن‌چه زیبایی این توصیفات آغازین را بیش‌تر نموده، بهره‌ی ماهرانه و زیبایی نویسنده از عناصر خیالی در آن است.

۵. پیچش و گسترش واژه‌ها: از دیگر زیبایی‌های نثر کلیدر، استفاده از سبک خاص جمع کردن و پراکنده نمودن کلمات است. نویسنده با واژه‌ها بازی کرده به طوری که گاه در وصف یک کلمه، یک بند می‌آورد و در نهایت همان یک کلمه را دوباره بازگو می‌کند و با این روش، به کلام خود نوعی آهنگ و وزن می‌دهد و آن را به شعر نزدیک می‌کند.

۶. توصیف در کلیدر: دولت‌آبادی استاد مسلم توصیف است. یکی از ابزارهای قوی روایت داستان توصیف خوب و جذاب است که نویسنده‌ی کلیدر به طرز جدید و زیبایی از آن استفاده نموده است.

زیباترین انواع توصیف در کلیدر عبارت‌اند از: الف) توصیف چهره‌ها (حرکات ظاهری، حرکات اشخاص، و...)

ب) توصیف وضعیت ظاهری اشخاص (از نظر لباس و اندام)
پ) توصیف صحنه‌ها و موقعیت‌ها (بیماری، شادی، غم، زمان و مکان حوادث و...)

ت) توصیف عناصر طبیعت



کلیدر، جایگاه عاشورا در آن است. نزاع همیشگی خیر و شر، پاک‌ی و پلیدی، زشتی و زیبایی، نیکی و بدی، ظلم و عدل و... تأکید بر این روایت پر معناست که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». دولت‌آبادی با شناختی که در فرهنگ مردم ایران از جایگاه کربلا و واقعه‌ی عاشورا دارد، مهر تأیید آن را بر مان خود می‌زند و داستان خود را در چشمه‌ی زلال مفاهیم عاشورایی می‌شوید. از زمانی که داستان، ماجرای عشق و رزوی را به سوی حماسه و دلاوری پیش می‌برد و قهرمان داستان کم‌کم شکل می‌گیرد، بارها صحنه‌هایی از عاشورا به تصویر کشیده می‌شوند. این شباهت کلیدر با تراژدی عاشورا، فقط از جهت مفاهیم و ارزش‌های معنوی نیست، که در سلسله وقایع و رویدادهای منجر به درگیری نهایی شباهت در اجزا و عناصر ساخت داستان، نیز هست و هر چه به پایان حادثه نزدیک می‌شویم، این شباهت‌ها بیش‌تر می‌شوند.

مهم‌ترین شباهت‌های کلیدر با عاشورا در موارد زیر است: شباهت رفتارها، انسجام خانواده و یاران و عزم جزم همه، شب محاصره و رخصت دادن به یاران، حق الناس را ادا کردن، پیش‌نهادهای فربخش به خان‌عمو در تنها گذاشتن گل محمد، اسب بکه‌سوار و با وفای بیگ محمد - قاسم، داماد کربلا -، به اسارت گرفتن زنان و افراد خانواده‌ی قهرمان، تحمل سختی‌های خواهر قهرمان گل محمد؛ این خواهر از زمان طلب بخشش از گل محمد اندوه تنهایی او را - قهرمان را - به دوش می‌کشد و زینب وار در غم بی‌یاوری برادر می‌گدازد، هم‌چنین زنان خانواده‌ی قهرمان - بلقیس، مارال، شیرو - پس از مرگ عزیزان، در برابر یزیدیان سرهای خود را با سرفرازی بالا می‌گیرند و هیچ مویه یا ناله‌ای سر نمی‌دهند. و...

ث) توصیف حوادث و ماجراهای داستان
ج) توصیف حیوانات و حرکات ظاهری آن‌ها
چ) توصیف اشیا
۷. عاشورا در کلیدر: یکی از ابعاد زیباشناسانه‌ی

روشکایان علوم انسانی
رساله جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. الوت، میریام، ترجمه‌ی علی محمد حق شناس، رمان به روایت رمان نویسان، چاپ مرکز، تهران، ۱۳۸۰
۲. ایرانی، ناصر، هنر رمان، چاپ اول، نشر آبانگاه، ۱۳۸۰
۳. بورنرف، رولان اوئل، ترجمه‌ی نازیل خلخالی، جهان رمان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸
۴. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم (در چهار جلد)، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱
۵. دولت‌آبادی، محمود، کلیدر، (در ده‌جلد)، چاپ پانزدهم، نشر
۶. سیانلو، محمدعلی، نویسندگان پیشرو ایران، چاپ ششم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۱
۷. شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، چاپ دوم. انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸
۸. شیر محمدی، عباس، بیست سال با کلیدر، چاپ اول، انتشارات نشر کوچک، تهران، ۱۳۸۰
۹. عبداللهیان، حمید، کارنامه‌ی نثر معاصر، چاپ اول، انتشارات پایا، تهران، ۱۳۷۹
۱۰. فاستر، ای. ام. ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، جنبه‌های رمان، ج اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲
۱۱. کزازی، میرجلال‌الدین، زیباشناسی سخن پارسی ۱، بیان، چاپ اول، نشر مرکز تهران، ۱۳۶۸
۱۲. مهبوزی، الهام، آینه‌ها (نقد و بررسی ادبیات امروز ایران، دفتر دوم)، چاپ اول، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۷۶
۱۳. میرعابدینی، حسن، صدسال داستان‌نویسی ایران، ج ۱ و ۲ و ۳، چاپ دوم، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۰
۱۴. میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان) چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۶
۱۵. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، چاپ چهارم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۶
۱۶. میرصادقی، جمال، داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، چاپ اول، انتشارات اشاره، تهران، ۱۳۸۱
۱۷. وزیری، علینقی، زیباشناسی در هنر و طبیعت، چاپ اول، انتشارات هنرمند، تهران، ۱۳۶۳